



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث ما در مسئله ۲۴ و در مورد مصرف کفاره افطار روزه یعنی اطعام فقراء بود، در اینجا بحث های متعددی وجود دارد؛ اول اینکه در بعضی از روایات ما کلمه مسکین و در بعضی دیگر کلمه احتیاج وجود دارد و ما باید ببینیم که آیا بین کلمه فقیر که در کلام صاحب عروة ذکر شده و بین مسکین فرقی وجود دارد یا نه؟ لغتاً با هم فرق دارند و گفته شده که فقیر کسی است که احتیاج خو را اظهار می کند ولی مسکین در حالی که نسبت به فقیر أشد حالاً می باشد ولی احتیاج خود را اظهار نمی کند، اما ظاهراً روایات ما عام می باشند و هردو را شامل می شوند مخصوصاً خبری داریم که در آن گفته شده ملاک احتیاج است (خبر ۲ از باب ۱۶ از ابواب الکفارات جلد ۱۵ وسائل ۲۰ جلدی ص ۵۶۹) اگر ملاک احتیاج باشد دیگر جای بحثی باقی نمی ماند.

بحث دیگری که در اینجا وجود دارد این است که اطعام فقرا دو صورت دارد؛ یکی اینکه فقرا را دعوت کند و آنها را اشباع کند و دیگری اینکه طعام را به آنها تسلیم کند و حالا ما می خواهیم ببینیم که آیا بین این دو صورت تفاوتی وجود دارد یا نه؟ صاحب عروة تفاوتی بیان نکرده ولی شراح و محشین عروة در اینجا بحث هایی را مطرح کرده اند (صاحب جواهر نیز در جلد ۳۳ از جواهر ۴۳ جلدی بحث مبسوطی را درباره اینکه آیا فرقی بین این دو صورت از اطعام وجود دارد یا نه مطرح کرده است) مثلاً آیت الله میلانی در حاشیه عروة فرموده اند که اگر بخواهد اطعام کند هرچه و به هر مقدار که باشد کافی است و **أما فی التسلیم فالأحوط الإقتصار علی الحنطة أو دقیقها أو خبزها** و مراد از احوط احتیاط و جویی می باشد. آیت الله گلپایگانی در حاشیه عروة فرموده اند: **«الأحوط فی الإعتاء الاقتصار علی الحنطة و الدقیق و الخبز و التمر نعم فی الإشباع یکفی طیبخ الأرز و نحوه»**. آیت الله خوانساری در حاشیه عروة فرموده اند: **«فی کفایتها**

عند اختیار التسلیم إشکال»، بنابراین معلوم می شود که بین دو صورت اطعام (اشباع و تسلیم) فرق می باشد، حتی در بعضی از روایات ما گفته شده می تواند با زیتون و سرکه نیز اطعام کند ولی بعضی از فقهای ما فرموده اند که زیتون و سرکه یک نوع خورشت در اطعام محسوب می شوند فلذا اگر شخصی بخواهد یک مد طعام را تسلیم فقیر کند نمی تواند زیتون و سرکه به او بدهد، و اما حضرت امام (ره) و آقای خوئی و همچنین بنده در اینجا حاشیه نداریم البته آقای خوئی در مسند العروة فرموده اند که اطلاق روایات ما دلالت دارند بر اینکه فرقی بین تسلیم و اطعام نیست لذا این بستگی به اجتهاد شما دارد که ببینید آیا از اخبار فرقی بین اطعام و تسلیم فهمیده می شود یا نه؟ به این معنی که در اطعام هرچه که باشد اشکالی نداد ولی در تسلیم فقط باید مثلاً گندم یا جو یا آرد یا نان باشد.

بحث دیگری که در تسلیم وجود دارد این است که تسلیم با اطعام فرقهایی با هم دارند من جمله اینکه اگر شما فقرا را دعوت و اطعام کنید غذایی که آنها می خورند مال شما می باشد لذا اگر در حال خوردن غاصبی غذا را غصب کند مال شما را غصب کرده است ولی اگر طعام را تسلیم فقیر کنید غذا مال خود فقیر و تحت ملک او قرار می گیرد بنابراین در اطعام گاهی اباحه تصرف بغیر ضمان می باشد مثل مهمانی یعنی در مهمانی تا وقتی که غذا از گروی مهمان پایین نرفته مال صاحب خانه می باشد لذا اگر غاصبی حین خوردن آن غذا را غصب کند خود صاحب خانه ضامن است نه میهمان او و گاهی اباحه تصرف بضمن می باشد مثل جایی که انسان می خواهد در مهمانخانه غذا بخورد که در این صورت فقط اگر انسان تصرف در غذا کند ضامن قیمت او می باشد و باید قیمتش را به مالک مهمانخانه بدهد.

مطلب دیگری که درباره کیفیت اطعام و تسلیم وجود دارد این است که در تسلیم شما طعام را در ملک فقیر داخل می کنید یعنی طعام را تملیک می کنید و این دیگر اباحه در تصرف نیست، خوب حالا که فقیر مالک طعام شده آیا باید آن را بخورد یا اینکه می تواند آن را بفروشد؟ و اگر فروخت باید حتماً با پولش غذا

دلیل کسانی که می گویند باید مدّین بدهد این است که چونکه در ظهار باید مدّین بدهد لذا در اینجا هم باید مدّین بدهد و روایت هم تصریح دارد که در ظهار باید مدّین بدهد (خبر ۶ از باب ۱۴ از ابواب الکفارات ص ۵۶۶ از جلد ۱۵ و سائل ۲۰ جلدی) بنابراین بحث در این است که آیا فقط در ظهار باید مدّین بدهد یا اینکه در همه جا باید مدّین بدهد؟ بعضی ها قائل به عدم القول بالفصل هستند یعنی اگر یک جا مدّان باشد در همه جا مدّان می باشد ولی بعضی ها گفته اند که مدّان فقط مخصوص به ظهار می باشد چون ما اخبار زیادی داریم که در آنها تصریح به یک مدّ شده است بنابراین ما اجماع به عدم فصل نداریم لذا فقط در ظهار مدّان ثابت است و در بقیه جاها باید یک مدّ بدهد و اگر شک هم بکنیم چونکه امر دائر بین اقل و اکثر است لذا أخذ به اقلّ می کنیم زیرا اقلّ قدر متیقن است و آن اضافه مشکوک است لذا نسبت به آن اضافه مشکوک اصل براءت جاری می کنیم بنابراین باید یک مدّ بدهد ...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله

علی محمد و آله الطاهیرین

بخرد یا اینکه می تواند چیزهای دیگری مثل لباس و فرش و غیرهما بخرد؟ ظاهراً وقتی که مالک طعام شد هر کاری که بخواه می تواند با طعامش انجام بدهد یعنی مختار است در اینکه خودش آن را بخورد یا اینکه آن را بفروشد. مطلب دیگر این است که در تسلیم باید جنس خوردنی به فقیر بدهید لذا اگر پول به او بدهید کافی نیست مگر اینکه پول را به او بدهید و بعد او را وکیل کنید که برود و از طرف شما خورنی بخرد و سپس از طرف شما آن گندم را به خودش بدهد و بعد مصرف کند بنابراین شما باید اطمینان داشته باشید که او می رود و خورنی می خورد و اِلّا نمی توانید پول را به او بدهید، خلاصه اینکه در مورد اطعام و تسلیم مطالب زیادی بیان شده و مورد بحث قرار گرفته و بنده هم در حاشیه عروۃ نوشته ام که: «و یجوز أن يعطيهم ثمن ذلك و یوکّلهم لأن یشتري المدّ للمالک ثم یملکوه من جانبہ و یتملکون هم نفسهم».

خوب بحث دیگری که صاحب عروۃ در مسئله ۲۴ مطرح کرده این است که مقدار اطعام فقرا برای هر یک نفر یک مد طعام است والأحوط مدّان، یک بحث اختلافی دیگر در همین مقدار اطعام یعنی یک مدّ و مدّان می باشد لذا صاحب عروۃ فرموده اند؛ والأحوط مدّان. شیخ طوسی در ص ۱۸۸ از جلد ۲ خلاف طبع جدید در مسئله ۳۶ از کتاب الصوم در این رابطه فرموده اند: «إذا أطمع فالیطعم لكل مسکین نصف صاع و روی مدّ (یعنی دو مدّ چون یک صاع چهار مدّ می باشد) سواء کفر بالتمر أو بالبر أو غیر ذلك و قال أبو حنیفه: إن کفر بالتمر و الشعیر فعليه لكل مسکین صاع و إن کان من البر نصف صاع و عنه فی الزییب روایتان. دلیلنا اجماع الفرقة علی أنه لا زیادة علی مدّین و لأن الأصل براءة الذمة و وجوب المدّین أو المدّ قد بیّننا الوجه فيه فيما أو ماأنا إليه»، و صاحب جواهر در جلد ۳۳ فرموده اند: «وقیل كما عن الخلاف و المبسوط و النهایة و التبیان و المجمع الیبان و الوسيلة و الإصباح مدّان» همانطورکه می بینید چندین نفر از فقهای ما قائل به مدّین می باشند و شیخ هم در خلاف ادعای اجماع بر مدّین کرده است بنابراین بحث در این است که آیا یک مدّ کافی است یا مدّین؟